



## ظرفیت مکتب فلسفی صدرالمتالهین در تمدن سازی نوین اسلامی

حضرت آیت الله خامنه ای درباره ظرفیت مکتب فلسفی صدرالمتالهین در تمدن سازی نوین اسلامی می فرمایند: مکتب فلسفی او هم چون همه فلسفه ها در محدوده ملیت و جغرافیا نمی گنجد و متعلق به همه بشریت است.

حضرت آیت الله خامنه ای درباره ظرفیت مکتب فلسفی صدرالمتالهین در تمدن سازی نوین اسلامی می فرمایند: مکتب فلسفی او هم چون همه فلسفه ها در محدوده ملیت و جغرافیا نمی گنجد و متعلق به همه بشریت است.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام حیدر همتی مدیر مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع) در یادداشتی که به مناسبت سالروز بزرگداشت ملاصدرا در اختیار خبرگزاری مهر قرار داده است به جایگاه عقلانیت در معرفت دینی تمدن ساز حضرت آیت الله خامنه ای اشاره می کند که متن یادداشت به شرح ذیل است:

از شاخص های فکری آیت الله خامنه ای اهتمام ایشان به روش عقلانی در گفتمان دینی است. عقلانیت در نگاه مقام معظم رهبری؛ استخراج نیروی خرد انسان و حاکم ساختن آن بر تفکرات و اعمال انسان است و نه محافظه کاری، مسامحه و تساهل. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام نیز؛ باید عقل را معیار و ملاک قرار داد و تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه، نخستین کار در راستای تمدن سازی است.

از همین رو از دیدگاه مقام معظم رهبری، یکی از مشکلات بزرگ در میان مسلمانان، عدم به کارگیری عقل و خرد خدادادی است، امری که سبب شده، خسارت های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی به بار آید و تشکیل امت بزرگ و واحد اسلامی، با اخلال مواجه شود.

ایشان دوری روحانیت غربی از عقلانیت و خردورزی را در دوره پیش از رنسانس، عامل اصلی پیدایش تمدن منحرف غربی دانسته اند هم چنین با اشاره به لزوم عقلانیت در امور اجرایی دین برخورد عقلانی را در مقابل برخورد با زور دانسته و کسانی را که در مسائل اخلاقی، دینی و عقیدتی به سرنیزه و زور تمسک می ورزند را از عقل سالم محروم دانسته اند با این بیان که «مقوله دین دولتی، دین بخشنامه ای و توصیه اخلاقی با زور سرنیزه، یک مقوله دیگر است.&hellip; آن کارها را نباید کرد و هیچ عاقلی نمی کند».

ایشان هم چنین حرکت آگاهانه بر پایه تعقل را در برابر اطاعت کورکورانه دانسته و اصل تعقل و تکامل عقلانی فرد جامعه را از کمالات انسانی وهم چنین یکی از اصول جامعه و نظام اسلامی ای می داند که ملت آن خواهان استقلال در زندگی هستند با این بیان که «اگر یک ملت می خواهد مستقل زندگی بکند و کسانی که مصالح او را نمی خواهند در کار او دخالت نکنند؛ باید قدرت اندیشه داشته باشد، باید بفهمد و بیانیدش، تا بتواند تصمیم بگیرد. به علاوه، یک انسان و یک جامعه انسانی، در صورتی به کمال انسانی نائل خواهد شد که نیروی اندیشه ای را که خدا در نهاد انسان نهاده است بتواند استخراج کند و از آن بهره برداری نماید، لذا، اسلام به اطاعت کورکورانه مردم در ملت و نظام اسلامی قانع نیست، از مردم می خواهد تا بیانیدشند و مطالب و مسائل را خودشان بفهمند و حرکتی آگاهانه داشته باشند».

ظرفیت مکتب فلسفی صدرالمتالهین در تمدن سازی نوین اسلامی

ایشان، عقل معاش را بخش اصلی، حقیقی و نرم افزاری تمدن نوین اسلامی دانسته و در این باره می فرمایند: «تمدن نوین اسلامی در بخش اصلی، که همان متن زندگی است، چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می گویند عقل معاش، که عرصه وسیعی است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما، ابوابی وجود دارد به نام «کتاب العشرة» آن کتاب العشرة درباره همین چیزهاست».

بی شک عقلانیت مفهومی اعم از روش فلسفی را در بردارد اما یکی از مصادیق آن را می توان روش فلسفی دانست اهتمام به عقلانیت و روش فلسفی در تحلیل معارف دینی از شاخصه های معرفت دینی اکثر متفکران انقلاب اسلامی می توان به شمار آورد هم چنان که برخی از جریان های احیاگر دینی از جمله سید جمال الدین اسدآبادی بر لزوم احیای نگاه عقلانی به معارف دینی تاکید داشته اند.

ملاصدرا عرفان محی الدین را به زبان عقل فلسفی مدون کرد

امام خمینی در جواب به سوال «حَسَنَتَيْنِ هَيْكَل» که از ایشان می پرسد چه اندیشه ها و اندیشمندانی بر شما تأثیرگذار بوده اند؟ می فرمایند: «در فلسفه: ملاصدرا، از کتب اخبار: کافی، از فقه: جواهر» و نیز در دعوت گورباچف به اسلام، موضوع حکمت متعالیه صدرا و عرفان محی الدین را مطرح می کنند. آیت الله خامنه ای درباره جایگاه فلسفه صدرایی گفته اند: «فلسفه ی صدرایی - که خود او به حق آن را حکمت متعالیه نامیده- در هنگام پیدایش خود نقطه ی اوج فلسفه ی اسلامی تا زمان او، و ضربه ای قاطع بر حملات تخریبی مسلکان و فلسفه ستیزان دوران های میانه اسلامی بوده است، &hellip; در فلسفه او از فاخرترین عناصر معرفت یعنی عقل منطقی و شهود عرفانی و وحی قرآنی در کنار هم بهره گرفته شده و در ترکیب شخصیت او تحقیق و تأمل برهانی و ذوق و مکاشفه عرفانی و تعبد و تدین و زهد و انس با کتاب و سنت با هم دخیل گشته&hellip;». و نیز می فرمایند: «امام»رضوان الله تعالی علیه« چکیده و زبده مکتب ملاصدرا است، نه فقط در زمینه ی فلسفی اش، در زمینه ی عرفانی هم همین جور است».

هم چنین آیت الله خامنه ای درباره ظرفیت مکتب فلسفی صدرالمتالهین در تمدن سازی نوین اسلامی می فرمایند: مکتب فلسفی صدرالمتالهین هم چون همه فلسفه ها در محدوده ملیت و جغرافیا نمی گنجد و متعلق به همه انسان ها و جامعه ها است، همواره همه بشریت به یک چارچوب و استخوان بندی متقن عقلانی برای فهم و تفسیر هستی نیازمندند هیچ فرهنگ و تمدنی بدون چنین پایه مستحکمی و قابل قبولی نمی تواند بشریت را به فلاح و استقامت و طمانینه روحی برساند و زندگی او را از هدفی متعالی برخوردار سازد و چنین است که به گمان ما فلسفه اسلامی به ویژه در اسلوب و محتوای حکمت صدرایی جای خالی خویش را در اندیشه انسان این روزگار می جوید و سرانجام آن را خواهد یافت و در آنجا برپا خواهد گشت.

گفته شده تأکید امام خمینی بر فلسفه ملاصدرا به جهت آن است که ملاصدرا عرفان محی الدین را به زبان عقل فلسفی مدون کرد تا امکان تمدن سازی در آن بیشتر باشد.